

درآمد ۲۲۹ میلیاردی از قراردادهای پژوهشی



«فرهیختگان» در گفت‌وگو با معاونان دانشجویی بررسی کرد

افسردگی ۳۰ درصد خوابگاه‌ها از دوری خانواده



درباره مرحوم رضا سراج که در دوره ریاستش بسپنج دانشجویی را متحول کرد

بدرود فرمانده



ChatGPT خلق OpenAI

برای جذب سرمایه ۱۵۰ میلیارد دلاری تلاش می‌کند

سلام به عصر هکتوکورن‌های

۱۰۰ میلیارد دلاری!

بخش سی و چهارم

رئیس‌انسان ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

سنگ اندازی قانونی برای تاسیس دانشگاه ملی!

و اساسنامه این قبیل موسسات اگر تاسیس شود به تصویب شورای عالی فرهنگی خواهد رسید، لکن بودجه‌ای برای این کار نداریم. به همین ترتیب نامه به دفتر مخصوص و رونویست به من صادر شد و بدون اینکه حریف حتی فهمید چه کرده سد قانونی را که می‌خواست در راه من بسازد خراب کردم و با ابراز کدورت و ناراحتی نامه را گرفتم و گفتم: «پس حال هیچ کاری حاضر نیستید برای من انجام دهید، این کمیسیون با مستشاران آمریکایی را تشکیل بدهید ببینیم اینها چه می‌گویند، چون مقصود آقای وزیر راز از تشکیل این کمیسیون نمی‌دانم چیست.»

کمیسیون مذکور را در دفتر معاون تعلیماتی وزارت فرهنگ با حضور مدیرکل تعلیمات عالی و چند مدیرکل دیگر و چهار مستشار آمریکایی و خانم چهل پنجاه ساله‌ای به نام توران اعلم، مترجم مستشاران و من تشکیل دادند. چون مطالب راز آن طور که برای آنها قانع‌کننده و موثر باشد بیان کردم و فهمیدند هیچ کدام سابق علمی و مدارک تحصیلی که من دارم را از آمریکای خودشان ندارند حالت تقدیر و تسلیم به خود گرفتند و رئیس هیات شروع کرد با لحن موافق به من جواب بدهد که ناگهان خانم اعلم از اتاق بیرون رفت و پس از چند دقیقه برگشت و به رئیس هیات گفت بیرون با شما کار دارد و رئیس هیات رفت و پس از چند دقیقه برگشت و گفت من کار ضروری پیدا کردم و جلسه را امروز تعطیل می‌کنم و در هفته آینده تشکیل می‌دهیم. من هم بلاذنگ با تبسمی گفتم خداوند همه ما را از شر شیطان حفظ کند. خانم اعلم چون دید تشکیل شد و رئیس مستشاران پس از تقدیر و تجلیل از فکر و زحمات من جلسه صورت خوشی به خود نگرفته با اصرار وقت جلسه بعدی را برای هفته بعد در همان وقت و همان اتاق تعیین کرد. من در ظرف یک هفته فاصله، با هیچ‌کس راجع به این کمیسیون صحبتی نکردم تا ببینم واقعا داستان از چه قرار خواهد بود. کمیسیون در موعد مقرر با همان اشخاص جلسه قبل تشکیل شد و اینکه در ایران مبالغی هنگفت برای این کارها لازم نیست سخن گفت اساس کار بود چه موسسه است و در آمریکا اشخاص مبالغ هنگفتی برای تاسیس دانشگاه‌های ملی سرمایه‌گذاری می‌کنند و برای شروع چنین کاری هر چه مختصر هم باشد لاقول پنج شش میلیون دلار نقد لازم است. من خوب فهمیدم که دستگاه اگر برای هیچ‌گونه کار مثبت و مفیدی برای مملکت اندک معاضدت و هماهنگی ندارد برای جلوگیری از کارهای سودمند کاملاً ماهمگ است و دقیقاً آنچه را وزیر فرهنگ قبلاً به من گفته بود اکنون آقای مستشار آمریکایی تکرار می‌کند. لکن مطلقاً به روی خود نیاردم و تنها با اشاره به اینکه در ایران مبالغی هنگفت برای این کارها لازم نیست سخن را معطوف برنامه‌ها و آمریکانیزه کردن تعلیمات در ایران و گرفتن از راه همه مستشاران مبنی بر اینکه اگر می‌شد، تشکیل دانشگاه ملی بسیار مفید بود و مطالبی از این دست کردیم و مانند بقیه جلساتی از این قبیل که با دیگران فراوان داشته‌ام نتجستیم و گفتیم و برخاستیم. از مجموع آنچه گذشت به این نتیجه رسیدیم که این بندبازان به خیال خودشان ما هر، مرا هم به بندبازی و داشته‌اند. از یک طرف شاه ما مانند گوشت قربانی به این طرف و آن طرف پرتاب می‌کند تا شاید خسته و منصرف شوم و از طرف دیگر آمریکایی‌ها که تمام کار مملکت در تمام کشور را به بندبازی و خسته در دست دارند با روشن کردن مشعلی که در تحلیلی نهایی مزاحم سیاست استعماری آنها است نمی‌توانند موافق باشند. لکن خوشبختانه در آن تاریخ نه شاه به قدرت و مطلق‌العنانی که بعد‌ها به او اعطا کردند رسیده بود و نه آمریکایی‌ها به بی‌پردگی و صراحت حاضر به عملیات بی‌شرمانه استعماری بودند.

ادامه دارد...

و سرمقاله‌های روزنامه‌ها را بخوانم. خودش نیز اتفاقات را نقطه‌ای تحلیل نمی‌کرد و از دل اتفاقات تحلیل و روند استخراج می‌کرد.» مفرد افزود: «او تلاش می‌کرد بتواند به دانشجویان نیز این تحلیل‌ها را ارائه دهد و به آنها در این زمینه کمک کند. همچنین در ماجراهایی که سر جنگ ۳۳ روزه رخ داد هم به صورت فعالانه در میدان حضور داشت، حتی به خاطر دارم در سازمان بسیج دانشجویی سوله بزرگی داشتیم، آنجا راه‌نوعی به محلی برای دانشجویانی تبدیل کرده بود که برای رفتن به لبنان اعلام آمادگی کرده بودند. و تعدادی از دانشجویان -از جمله بنده- راه همراه دانشجویانی از دانشگاه‌های علم و صنعت، شریف و... هماهنگ کرده بود تا با کشتی‌های نجات به منطقه اعزام شویم تا از این طریق راه برای کمک‌رسانی باز شود. البته این راهم باید بگویم که این کار با هماهنگی با شورای امنیت رخ داده بود.»

او افزود: «یکی دیگر از کارهایی که در دوران او صورت گرفت، بحث همراهی دانشجویان ایران و ترکیه برای حمایت از غزه بود که طرح این کار هم توسط خود مرحوم انجام شده بود. درحقیقت در آن ایام بسیج دانشجویی را در تیترا اخبار تحولات سیاسی کشور و منطقه می‌دیدیم که البته همه این کارها به خاطر میدان‌داری مرحوم بود. نکته دیگر درباره او این است که کاملاً شخصیت استادی برای بدنه دانشجویی ایفا می‌کرد. تاجایی که در دوره‌های متنوعی از طرح‌لایه گرفته تا خط امام که خودش هم میداند بود، حضور پیدا می‌کرد و به دانشجویان آموزش می‌داد.» مسئول سابق بسیج دانشجویی ناحیه تهران بزرگ افزود: «دانشجویان به واسطه شخصیت رضا سراج نه به واسطه اینکه او رئیس سازمان بسیج بود، می‌توانستند ارتباط خوبی را با او گرفته و مشورت بگیرند. نکته دیگر اینکه هر دوره‌ای در بسیج دانشجویی یک ایده خاصی را شاهد بوده‌ام، به طور مثال در دوران نیک‌روش مسأله محوری بسیار پررنگ شده بود اما دوره مرحوم سراج را عموم بدنه دانشجویی دوران خوش یاد می‌کنند، یعنی یکی از قله‌های بسیج دانشجویی مطرح می‌شود. او نیز بسیار تلاش کرد در برهه‌ای جمعی از نخبگان دانشگاه تهران را که عموم‌پای آنها هم به مجموعه‌های مانند سپاه باز نمی‌شد، به این مجموعه‌ها ببرد، یعنی او بعد از دوران ریاست سازمان هم تلاش کرد با بخشی از بدنه دانشجویی ارتباطش را حفظ کند.» مفرد خاطرنشان کرد: «مرحوم سراج حتی در سال‌های بعد از مسئولیتش همچنان محل رجوع دانشجویان بود. نکته آخر اینکه در زمان رزله کرمانشاه ما با شخصیت دیگری از او - که برایمان قابل تصور هم نبود- روبرو شدیم، یعنی او با جمعی از بچه‌هایی که کرمانشاه آمد و مسئولیت یک محور را در اختیار گرفت و ساخت خانه‌ها را عهده‌دار شد. دوره حضورش در کرمانشاه خیلی طولانی شد و تنها مختص به دوران امداد رسانی نبود. تا جایی که حتی شهروک منطقه مدنظر را کامل کرد.»

و سرمقاله‌های روزنامه‌ها را بخوانم. خودش نیز اتفاقات را نقطه‌ای تحلیل نمی‌کرد و از دل اتفاقات تحلیل و روند استخراج می‌کرد.» مفرد افزود: «او تلاش می‌کرد بتواند به دانشجویان نیز این تحلیل‌ها را ارائه دهد و به آنها در این زمینه کمک کند. همچنین در ماجراهایی که سر جنگ ۳۳ روزه رخ داد هم به صورت فعالانه در میدان حضور داشت، حتی به خاطر دارم در سازمان بسیج دانشجویی سوله بزرگی داشتیم، آنجا راه‌نوعی به محلی برای دانشجویانی تبدیل کرده بود که برای رفتن به لبنان اعلام آمادگی کرده بودند. و تعدادی از دانشجویان -از جمله بنده- راه همراه دانشجویانی از دانشگاه‌های علم و صنعت، شریف و... هماهنگ کرده بود تا با کشتی‌های نجات به منطقه اعزام شویم تا از این طریق راه برای کمک‌رسانی باز شود. البته این راهم باید بگویم که این کار با هماهنگی با شورای امنیت رخ داده بود.»

او افزود: «یکی دیگر از کارهایی که در دوران او صورت گرفت، بحث همراهی دانشجویان ایران و ترکیه برای حمایت از غزه بود که طرح این کار هم توسط خود مرحوم انجام شده بود. درحقیقت در آن ایام بسیج دانشجویی را در تیترا اخبار تحولات سیاسی کشور و منطقه می‌دیدیم که البته همه این کارها به خاطر میدان‌داری مرحوم بود. نکته دیگر درباره او این است که کاملاً شخصیت استادی برای بدنه دانشجویی ایفا می‌کرد. تاجایی که در دوره‌های متنوعی از طرح‌لایه گرفته تا خط امام که خودش هم میداند بود، حضور پیدا می‌کرد و به دانشجویان آموزش می‌داد.» مسئول سابق بسیج دانشجویی ناحیه تهران بزرگ افزود: «دانشجویان به واسطه شخصیت رضا سراج نه به واسطه اینکه او رئیس سازمان بسیج بود، می‌توانستند ارتباط خوبی را با او گرفته و مشورت بگیرند. نکته دیگر اینکه هر دوره‌ای در بسیج دانشجویی یک ایده خاصی را شاهد بوده‌ام، به طور مثال در دوران نیک‌روش مسأله محوری بسیار پررنگ شده بود اما دوره مرحوم سراج را عموم بدنه دانشجویی دوران خوش یاد می‌کنند، یعنی یکی از قله‌های بسیج دانشجویی مطرح می‌شود. او نیز بسیار تلاش کرد در برهه‌ای جمعی از نخبگان دانشگاه تهران را که عموم‌پای آنها هم به مجموعه‌های مانند سپاه باز نمی‌شد، به این مجموعه‌ها ببرد، یعنی او بعد از دوران ریاست سازمان هم تلاش کرد با بخشی از بدنه دانشجویی ارتباطش را حفظ کند.» مفرد خاطرنشان کرد: «مرحوم سراج حتی در سال‌های بعد از مسئولیتش همچنان محل رجوع دانشجویان بود. نکته آخر اینکه در زمان رزله کرمانشاه ما با شخصیت دیگری از او - که برایمان قابل تصور هم نبود- روبرو شدیم، یعنی او با جمعی از بچه‌هایی که کرمانشاه آمد و مسئولیت یک محور را در اختیار گرفت و ساخت خانه‌ها را عهده‌دار شد. دوره حضورش در کرمانشاه خیلی طولانی شد و تنها مختص به دوران امداد رسانی نبود. تا جایی که حتی شهروک منطقه مدنظر را کامل کرد.»

درباره مرحوم رضا سراج که در دوره ریاستش بسپنج دانشجویی را متحول کرد

بدرود فرمانده

مسئول سابق بسیج دانشجویی ناحیه تهران بزرگ در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با بیان اینکه با مرحوم سراج در دوران دانشجویی آشنا شده‌ام، گفت: «او قبل از سال ۸۸ مسئولیت این سازمان را برعهده گرفت و در وهله اول تلاش کرد فعالیت‌های بسیج دانشجویی را به همه عرصه‌هایی که دانشجویان در دانشگاه‌های ما توانستند انجام دهند، گسترش دهد. درحالی‌که تا پیش از آن عموم بسیج دانشجویی یک ساختار سازمانی داشت و در عرصه‌های متفاوتی مثل فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی ورود می‌کرد، اما او کانون‌های بسیج دانشجویی را تشکیل داد که هنوز هم از او در همه دانشگاه‌ها به یادگار مانده است، مثلاً کانون دفاع مقدس، کانون هنری و... را در دانشگاه‌ها ایجاد و بستری را فراهم کرد تا فعالیت بسیج دانشجویی متنوع شود و افرادی که دوست دارند در دانشگاه‌ها فعالیت داشته باشند، زمینه فعالیت‌شان را پیدا کنند.»

او تصریح کرد: «دومین نکته‌ای که درباره او باید بگویم، شخصیت کاریزماتیک، دوست‌داشتنی و به اصطلاح وسط میدان بودن مرحوم سراج است. به خاطر دارم که مرحوم خودش گفته بود وقتی رئیس بسیج دانشجویی شد، چند دست لباس کتان خریده بود تا تیپ کت و شلوازی را کنار بگذارد و بتواند با دانشجویان بجوشد. همچنین بچه‌ها را به اسم کوچک صدا می‌زد و با آنها رفاقت داشت، چون خودش صاحب تحلیل بود و اخبار را دنبال می‌کرد و شبانه‌روز در سازمان حضور داشت. تا جایی که وقتی اتفاقی مانند اتفاقات امروز منطقه در دوران مسئولیتش در لبنان رخ داد، به سرعت دانشجویان را - به ویژه در دانشگاه‌های بزرگ- دور هم جمع می‌کرد تا طراحی عملیات را انجام دهد.»

سراج نقش استادی را برای بدنه دانشجویی ایفا کرد

عضو شورای عالی جهاد سازندگی با بیان اینکه مرحوم سراج تقریباً ارتباطش با دانشگاه‌ها از نزدیک بود و این‌گونه نبود که بخواهد از طریق معاونان یا بسیج دانشجویی ناحیه تهران با دانشگاه‌ها در ارتباط باشد، گفت: «همین مسأله باعث می‌شد بتواند به سرعت بچه‌ها را در اتفاقات مختلف فراخوانده و با جمع‌بندی به طراحی عملیات برسد. نکته دیگر اینکه او خودش بسیار اهل تحلیل بود و زمانی که می‌خواست مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران شوم، او به بنده هم بسیار توصیه کرد در کنار اخبار، تحلیل‌ها و یادداشت

مسئول سابق بسیج دانشجویی ناحیه تهران بزرگ:

مرحوم سراج

فعالیت‌های بسیج دانشجویی را متنوع کرد

صادق میرزاده مفرد، عضو شورای عالی جهاد سازندگی و

دکتر ولایتی در پیامی به دبیرکل حزب الله لبنان:

خون «عقیل» مقاومت را قوی‌تر از قبل خواهد کرد

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل در پیامی به سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان شهادت ابراهیم عقیل از زهران ارشد حزب الله لبنان را تبریک و تسلیت گفت. علی‌اکبر ولایتی در این پیام تصریح کرد: «خون این شهدا و بزرگمردان اسلام، مقاومت و همبستگی در برابر رژیم صهیونیستی، آمریکا و اذنان آنها در منطقه را بیشتر و قوی‌تر خواهد کرد و مقاومت قطعاً پیروز خواهد شد. در متن پیام آمده است: «شهادت مجاهد عزیز شهید ابراهیم عقیل از زهران و فرماندهان بزرگ مقاومت را تبریک و